

بررسی اسناد بین المللی (۳)

حقوق زنان

نقد و بررسی کنوانسیون رفع انواع تبعیض علیه زنان

مهدوی زادگان، داوود، ۱۳۴۳ -

حقوق زنان: نقد و بررسی کنوانسیون رفع انواع تبعیض علیه زنان / مؤلفان داوود مهدوی زادگان، محمدعلی داعی نژاد، معصومه طاهری. - تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان، روابط عمومی، ۱۳۸۳.

ISBN 964 - 8435-06-5

۱۳۶ ص. - (بررسی اسناد بین المللی؛ ۳)

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه به صورت زیر نویس.

۱. تبعیض جنسی علیه زنان ۲. کنوانسیون رفع تبعیض از زنان (۱۹۷۹)

Convention on Elimination of all forms of Discrimination Against Women (1979)

۳. زنان - مسائل اجتماعی و اخلاقی. ۴. زنان - وضع حقوقی و قوانین.

الف. داعی نژاد، محمدعلی، ۱۳۴۲ - ب. طاهری، معصومه، ۱۳۳۶ - ج. شورای فرهنگی اجتماعی زنان، روابط عمومی. د عنوان

۳۰۵/۴۲

ح ۷ / م ۹ / HQ۱۳۳۷

۸۳ - ۲۴۰۳۳ م

کتابخانه ملی ایران

♦ عنوان: بررسی اسناد بین المللی حقوق زنان (نقد و بررسی کنوانسیون رفع انواع تبعیض علیه زنان)

♦ مؤلفان: داوود مهدوی زادگان، سید محمدعلی داعی نژاد، معصومه طاهری

♦ ویراستاران: زهرا دمیرچی، زهرا شوشتری

♦ صاحب امتیاز: شورای فرهنگی اجتماعی زنان

طراح جلد: سیده باهره پاکدامن

صفحه آرا: ثریا کلانتری

حروف نگار: مرضیه جونوش

ناشر: روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان

چاپ اول: زمستان ۱۳۸۳

تیراژ: ۲۰۰۰

بها: ۹۰۰۰ ریال

تذکر: حق چاپ و انتشار محفوظ است.

آدرس: تهران، خیابان شهید مفتاح، روبروی ورزشگاه شهید شیرودی، خیابان اردلان، شماره ۶، دبیرخانه شورای فرهنگی

اجتماعی زنان، کد پستی ۱۵۸۳۹

www.Iranwomen.org

دورنگار: ۸۳۲۰۱۰۸

تلفن: ۸۳۶۹۸۹۱-۴

Email: webmaster@iranwomen.org

فهرست مطالب

مقدمه	۹
فصل اول: ابهامات مفهومی مفاد کنوانسیون رفع انواع تبعیض علیه زنان	
پیشگفتار	۲۱
گفتار اول: ابهامات مفهومی	۲۳
الف. حقوق اساسی بشر	۲۳
ب. تبعیض بشری	۲۴
ج. سعادت	۲۵
د. نظام نوین اقتصادی	۲۶
ه. دخالت خارجی	۲۶
و. توسعه	۲۷
ز. صلح جهانی	۲۷
ح. نقش مادری	۲۸
ط. نقش سنتی	۲۸
ی. نابرابری	۲۹
ک. تمایز	۳۰

گفتار دوم: ابهامات ساختاری ۳۱

الف. نادیده انگاری واقعیت ۳۱

ب. رویکرد تک ساحتی ۳۲

ج. ربطی ناپیدا ۳۳

د. جهان های سنتی ۳۳

ه. یکسان سازی ۳۴

و. فراقانونی ۳۵

ز. شار عیت یا کاشفیت ۳۶

گفتار سوم: ابهامات مبنایی ۳۷

الف. دولت و نظام جهانی ۳۷

ب. آفرینش آزاد و حقوق یکسان ۳۸

ج. عدل و برابری ۳۹

د. نظام نوین اقتصاد بین الملل ۴۰

ه. فضیلت های فراموش شده ۴۱

و. مبنای کلیشه ای ۴۲

ز. مبنای فلسفی یا اعتباری ۴۲

نتیجه ۴۳

فصل دوم: بنیان های کنوانسیون رفع انواع تبعیض علیه زنان در چالش با علم و خرد

پیشگفتار ۴۷

گفتار اول: چالش های کنوانسیون از نگاه خرد بشری ۴۸

الف. بنیان غیر متافیزیکی ۴۸

ب. نگاه تک بعدی به ماهیت انسان ۵۲

ج. خطای منطقی در فهم عدالت ۵۴

د. عدم اعتبار علمی ۵۴



هـ. قانونگذاری نادرست	۵۵
و. فردگرایی یا جمع گرایی	۵۷
گفتار دوم: پیامد عمل به آموزه های فمینیسم	۵۸
الف. تزلزل نهاد خانواده	۵۸
ب. تزلزل اخلاق جنسی	۶۱

فصل سوم: پیامد الحاق به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان

پیشگفتار	۶۵
گفتار اول: مبانی فکری کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان	۶۷
گفتار دوم: اهداف پنهان کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان	۷۱
الف. ظلم به زنان با نام برابری	۷۱
ب. تعرض به مذاهب و ادیان	۷۲
ج. تعرض به حاکمیت ملی	۷۳
د. تعرض به نهاد مقدس خانواده	۷۵
هـ. تعرض به حقوق کودکان	۷۸
و. تعرض به اخلاق	۸۱
ز. وضعیت آرمانی خانواده از منظر کنوانسیون	۸۲
گفتار سوم: کنوانسیون رفع تبعیض و اعلامیه جهانی حقوق بشر	۸۷
گفتار چهارم: الحاق مشروط به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان	۹۰
الف. الحاق به معاهدات	۹۰
ب. جایگاه حق شرط در کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان	۹۳
ج. خروج از کنوانسیون	۹۴
گفتار پنجم: روش کمیته رفع تبعیض در جذب و جلب همکاری کشورها	۹۶
الف. راهکارهای کمیته پیش از الحاق	۹۶



- ب. راهکارهای کمیته پس از الحاق ۹۶
- ج. پروتکل اختیاری کنوانسیون ۹۸
- گفتار ششم: بررسی حق شرط پیشنهادی جمهوری اسلامی ایران ۱۰۰
- الف. اعتراض به شرط «عدم مغایرت با شریعت اسلام» ۱۰۰
- ب. اعتراض به شرط، اجبار در عمل به کنوانسیون بدون شرط ۱۰۵
- ج. اعتراض به حق شرط، فشار سیاسی ۱۰۷
- ۱- حق شرط کشورهای غربی ۱۰۷
- ۲- حق شرط اسرائیل ۱۰۹
- ۳- حق شرط هلند و آلمان ۱۱۰
- د. کشورهای اروپایی و الحاق به کنوانسیون ۱۱۱
- ه. نکته سنجی برخی کشورهای عرب ۱۱۲
- گفتار هفتم: حامیان اقتصادی کنوانسیون ۱۱۳
- الف. تشکیل سازمان ملل ۱۱۳
- ب. حمایت سازمان ملل از ایجاد تحول در وضعیت حقوقی زنان در کشورها ۱۱۴
- ج. بخش اقتصادی سازمان ملل ۱۱۵
- د. شرکت های چند ملیتی و کمپانی ها با مقاصد سیاسی ۱۱۶

ضمیمه

- متن کامل کنوانسیون رفع انواع تبعیض علیه زنان ۱۲۱

مقدمه

در سال ۱۹۷۲ دبیر کل سازمان ملل از کمیسیون مقام زن خواست تا نظر دولت های عضو را نسبت به شکل و محتوای یک سند بین المللی در زمینه حقوق زنان جويا شود. سال بعد یک گروه کاری از سوی شورای اقتصادی و اجتماعی جهت بررسی تنظیم چنین کنوانسیونی تعیین شد. در سال ۱۹۷۴ کمیسیون مقام زن پیش نویس کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان را آغاز کرد و در سال ۱۹۷۷ پیش نویس تهیه شده را به مجمع عمومی سازمان ملل تقدیم کرد. مجمع عمومی، گروه کاری ویژه ای را جهت تنظیم نهایی پیش نویس کنوانسیون مأمور نمود و سرانجام در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ طرح مزبور با عنوان کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض علیه زنان از تصویب مجمع عمومی سازمان ملل گذشت.^۱

در این زمان، سازمان ملل درخواست کرد تا جمهوری اسلامی ایران نیز به این کنوانسیون ملحق شود. در پی برخی پیگیری ها، نهایتاً لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون مربوطه در شهریور ۱۳۷۴ به دولت تقدیم شد، ولی بدلیل پیامدهای فرهنگی گسترده ای که این الحاق داشت، تصمیم گیری در مورد آن به شورای عالی انقلاب فرهنگی واگذار شد. در این مدت جمعی از مراجع تقلید حوزه علمیه قم، از جمله آیات عظام: مکارم شیرازی، نوری همدانی، استادی و... با الحاق به این کنوانسیون مخالفت نمودند.^۲

۱- مهرپور، حسین، «نظام بین المللی حقوق بشر»، ص ۱۱۰.

۲- دیدگاه های فقهی در خصوص عهدنامه محو تبعیض علیه زنان.

در نهایت، در بهمن ۱۳۷۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی به ریاست حجت الاسلام خاتمی با الحاق به کنوانسیون (ولو با استفاده از حق شرط) اعلام مخالفت کرد.

در تاریخ ۷۸/۳/۹ با پیگیری مجدد، پیشنهاد الحاق به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان در دستور کار هیأت دولت قرار گرفت تا اینکه لایحه الحاق به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان در تاریخ ۸۰/۹/۲۸ توسط هیأت وزیران به تصویب رسید.

متن لایحه عبارت است از:

ماده واحده - به دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می شود به «کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» به شرح پیوست، منوط به برقراری تحفظات و شروط زیر ملحق گردد و اسناد مربوط را تودیع و تسلیم نماید:

الف) جمهوری اسلامی ایران مفاد کنوانسیون مذکور را در مواردی که با شرع مقدس اسلام مغایرت نداشته باشد، قابل اجرایی داند.

ب) جمهوری اسلامی ایران خود را موظف به اجرای بند «۱» ماده ۲۹ این کنوانسیون، در خصوص حل و فصل اختلافات از طریق داری و یا ارجاع به دیوان بین المللی دادگستری نمی داند.

این لایحه در تاریخ ۸۰/۱۰/۱۶ به مجلس شورای اسلامی تقدیم شد تا سایر مراحل قانونی تصویب راطی نماید.

این لایحه در تاریخ ۸۰/۱۲/۲۲ در دستور کار مجلس قرار گرفت، ولی بدلیل مخالفت شدید برخی مراجع تقلید عظام، از دستور کار مجلس خارج شد، اما دوباره در تاریخ ۸۲/۵/۲ لایحه الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون مذکور، در مجلس شورای اسلامی طرح و تصویب شد.

از آنجا که موضوع الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون مزبور، پیامدهای مهمی را در برداشت، برخی از مراجع تقلید در مقابل آن اعلام موضع آشکار نمودند. در اینجا به نظرات و مواضع تنی چند از آیات عظام، پیرامون موضوع مورد نظر اشاره می شود:

آیت الله مکارم شیرازی: «اخیراً مراکز بین المللی ایران را تحت فشار قرار داده اند تا این

کنوانسیون را بپذیرد. در تمام این فشارها یک خط به روشنی دیده می‌شود و آن اینکه می‌خواهند ما را به سوی حکومت‌های سکولار غیر مذهبی بکشانند.^۱ همچنین ایشان فرمودند: بی‌شک این معاهده مخالف تعلیمات اسلام است و قیودی مانند تحفظ بر تعلیمات اسلامی و عدم مخالفت با شرع، مشکلی را حل نمی‌کند، زیرا در این معاهده با صراحت گفته شده شروطی که مخالف روح این معاهده است، قابل قبول نیست و به این ترتیب پس از امضای آن فشارهایی از خارج برای حذف این شرط که مخالف روح معاهده است وارد خواهد شد و ایادی داخلی نیز هر روز به بهانه‌ای به آن دامن می‌زنند و مطالبات نامشروع خود را می‌طلبند، غربی‌ها به هر بهانه‌ای شده می‌خواهند فرهنگ غیر مذهبی خود را بر ما تحمیل کنند. دولتمردان ما باید بیدار باشند».^۲

آیت‌الله نوری همدانی: ایشان (در مراسم تشییع و خاکسپاری ۱۴ شهید در قم) اعلام نمودند که «پیوستن به برخی کنوانسیون‌های حقوق زنان خلاف اسلام است».^۳

آیت‌الله فاضل لنکرانی: «الحاق به معاهده مذکور متضمن موارد خلاف شرع مبین است، جایز نیست و تقیید به قید مذکور از دایره لفظ تعدی نمی‌کند و در مقام عمل همان هدف سوئی که از چنین اموری دارد پیاده خواهد شد. خداوند مسلمانان را از شرور شیاطین حفظ نماید».^۴

آیت‌الله میرزا جواد تبریزی: «هر قانون و قراردادی که مخالف احکام شرع مقدس باشد یا مطابقت با مصالح مسلمین نداشته باشد یا عزت اسلام و مسلمین را در خطر بیندازد، شرعاً اعتباری نداشته و اطاعت از آن جایز نیست و خود به خود ملغی است و گمان نشود که با این موافقت‌ها مستکبرین و اهل کفر راضی می‌شوند. آنان به کمتر از محو کامل اسلام راضی نخواهند شد».^۵

مرداد سال ۱۳۸۲ اوج مخالفت‌ها نسبت به کنوانسیون بود، برخی آیات عظام نیز مجدداً عدم

۲- روزنامه انتخاب، ۸۷۲/۲۰.

۴- روزنامه رسالت، ۸۷۲/۲۵.

۱- روزنامه صدای عدالت، ۸۰/۱۰/۶.

۳- روزنامه صدای عدالت، ۸۷۲/۱۴.

۵- روزنامه رسالت، ۸۷۲/۲۵.



مصلحت نظام جمهوری اسلامی ایران را در الحاق به کنوانسیون، طی بیاناتی متذکر گردیدند. این بیانات عبارت است از:

آیت الله مکارم شیرازی: «خواهران عزیز گمان نکنند که قبول این کنوانسیون مشکلی را از آنها حل می کند. به یقین اگر مفاد این کنوانسیون در کشور ما پیاده شود، شاهد متلاشی شدن خانواده ها خواهیم بود»^۱.

آیت الله ابراهیم امینی: «بسیاری از مواد کنوانسیون مخالف صریح قرآن و فقه اسلامی است»^۲.

آیت الله نوری همدانی: «تصویب کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان با معیارها، ارزش ها و اعتقادات جامعه ما سازگاری ندارد. روح این کنوانسیون نفی حجاب برای زن، نفی عده گذاشتن و نفی تعداد دیگری از ضروریات اسلام است... در این کنوانسیون تفاوت هایی که خلقتاً و فطرتاً در میان زن و مرد وجود دارد... ظلم و تبعیض تلقی شده است»^۳.

آیت الله مشکینی نیز در نامه ای خطاب به ریاست محترم مجلس شورای اسلامی، حجت الاسلام کروی اعلام داشتند: «تلاش برای ارتقاء شأن، جایگاه و شخصیت زن و دفاع از حقوق زنان ضرورتی غیر قابل اغماض است... معاهده رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان... در کلیت خود با ارزش های دینی همخوانی ندارد... پیوستن جمهوری اسلامی ایران به عنوان پرچمدار اصولگرایی اسلامی در جهان، به این معاهده، مهر تأییدی بر این مدعاست که اسلام، خود در دفاع از حقوق زنان طرح مشخصی ندارد... تصویب الحاق ایران به معاهده محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان توسط مجلس محترم را غیر مشروع دانسته و به مصلحت نمی دانیم... تدوین منشور زن مسلمان با استفاده از کارشناسان فقیه حوزوی و اساتید متعهد دانشگاه بر اساس الگوی تناسب محور، می تواند موضع نظام اسلامی را در پیگیری حقوق زنان، به وضوح تبیین کند»^۴.

۱- روزنامه همبستگی، ۸۲/۵/۹.

۲- روزنامه کیهان، ۸۲/۵/۱۸.

۳- روزنامه های جوان، ۸۲/۵/۱۲؛ همشهری، ۸۲/۵/۲۱.

۴- روزنامه کیهان، ۸۲/۵/۲۰.

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: «معاهده مذکور که در صدد نفی تمامی تمایزات میان زن و مرد در عرصه آموزش، فرهنگ، اقتصاد، روابط اجتماعی و حقوق است نه تنها در کلیت خود با ارزش های دینی همخوانی ندارد و باده ها حکم از احکام شرع مقدس اسلام در تضاد است، بلکه بر اساس گزارش های واصله تنها ماده اول آن با بیش از ده ها مورد از قوانین داخلی که بر اساس فقه اسلامی تدوین گردیده است، در تعارض می باشد»^۱.

در ادامه اعلام مخالفت جمعی، انجمن جمعه شهرهای: اهواز، شهرری، اراک، اردبیل، ساوه، تبریز، همدان، قزوین، رشت، زنجان، اصفهان، سمنان، سنقر و کلیانی، اسلامشهر، کوهستان، ایلام، رباط کریم، یاسوج و قم در خطبه های نماز جمعه به صراحت عدم مصلحت نظام جمهوری اسلامی ایران را در الحاق به کنوانسیون اعلام نمودند^۲ تا اینکه در تاریخ ۸۲/۵/۲۲ مخالفت شورای نگهبان نیز با طرح الحاق به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان اعلام شد. دلایل شورای نگهبان به اجمال عبارت بود از اینکه: این طرح در مواردی با قانون اساسی مغایرت دارد، علاوه بر آنکه به طور واضح و مشخص تبیین نگردیده که از دیدگاه مجلس، کدام بخش از کنوانسیون با شرع مغایر است تا شورای نگهبان نظر خویش را در مورد مغایرت و یا عدم مغایرت آن با شرع ابراز دارد. در ضمن مرجعی که در آینده موافقت یا مغایرت مفاد کنوانسیون را با شریعت اسلامی تعیین نماید نیز، مشخص نگردیده است.

چنانچه مشخص شد، پیشنهاد الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان با مخالفت های گسترده علمای دینی مواجه شد و در نهایت شورای نگهبان نیز لایحه پیشنهادی را به مجلس باز گرداند. پس از آن، مجلس، لایحه الحاق را به مجمع تشخیص مصلحت نظام فرستاد تا با توجه به مصالح نظام در این زمینه تصمیم لازم اتخاذ گردد.

از آنجا که شورای فرهنگی اجتماعی زنان ضمن جمع آوری نظرات کارشناسان مختلف و تحلیل آنها، نظر خویش را مبنی بر عدم مصلحت نظام جمهوری اسلامی ایران در الحاق به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان اعلام نموده است، بر خویش لازم می داند تا دلایل خود را

۱- روزنامه قدس، ۸۲/۵/۱۳.

۲- روزنامه های: سیاست روز، ۸۲/۵/۲۵؛ رسالت، ۱۲ و ۱۸ و ۸۲/۵/۲۲؛ جمهوری اسلامی، ۸۲/۵/۱۲؛ همشهری، ۸۲/۵/۲۱.

به اندیشمندان جامعه، خصوصاً مخاطبان اصلی این کنوانسیون، یعنی دختران و زنان این مرز و بوم ارائه نماید. به امید آنکه سایر صاحب نظران نیز با ارائه مباحث استدلالی خویش بر عمق مباحث بیفزایند.

اهم دلایل این مرکز برای مخالفت با الحاق به کنوانسیون عبارت است از:

۱- از دید کارشناسان امور سیاسی، پیوستن به معاهدات بین‌المللی، نوعی مشارکت بین‌المللی در حاکمیت کشورها محسوب می‌شود و تلاش کشورها بر آن است که تا منفعت راجحی در میان نباشد، از الحاق به این معاهدات خودداری کنند. از آنجا که مبانی نظری حاکم بر کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان با مبانی نظری حاکم بر قوانین اسلامی متفاوت است، لذا پیوستن به این معاهده جامعه ایرانی را دچار تناقضی آشکار خواهد کرد. به عنوان نمونه، مبانی نظری کنوانسیون، سکولاریسم و آزادی لیبرالی است و به همین جهت در این کنوانسیون روابط نامشروع، همجنس گرایی، فحشا و روسپیگری با رضایت زن، استفاده ابزاری از زنان و دختران در تبلیغات تجاری، مورد منع قرار نگرفته است و در عوض اموری همچون منع ازدواج با غیر هم‌کیش، منع سقط جنین و... مورد نفی و محکومیت قرار گرفته است. علاوه بر آن روح حاکم بر کنوانسیون، روح حقوق محوری (آن هم با غفلت از گرایش‌هایی چون وظیفه گرایی، غایت گرایی و فضیلت محوری) است، لذا عناصر مذهبی، اخلاقی و فرهنگی در آن نادیده گرفته شده است، همانگونه که در جاهلیت مدرن غرب نیز این روح حاکم است.

۲- الحاق به کنوانسیون با مصالح زنان مغایرت دارد، چرا که نگرش تاریخی پست‌نگری به زنان را که به آنان حق رشد نمی‌داد، جایگزین نگرش منحط‌مردمحورانه نموده و تلاش می‌کند با اصل قرار دادن جنس مرد، نهایتاً، زنان را در حد برابری به معنای تشابه با مردان برساند و بدین ترتیب، قدرت پنهان زن را که همانا قدرت خانه بود، از او سلب کرده و در چرخه رقابت‌های غلط سیاسی و اقتصادی با جنس مرد، او را به حاشیه خواهد راند.

علاوه بر آنکه با پیشنهاد تغییر در کلیه ارزش‌های اخلاقی، اجتماعی و حتی طبیعت انسانی زنان، با کلیه ارزش‌ها و سنت‌های مورد احترام جوامع به شکل متعصبانه مخالفت می‌نماید.

۳- به دلیل ابهامات مفهومی فراوان در متن کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، هنوز پیامدهای

الحاق به آن دقیقاً مشخص نیست، لذا پذیرش تعهدات گسترده ناشی از الحاق، در صورت ابهام مفاد این قرارداد، به مصلحت نظام نیست. نمونه‌هایی از این مسئله را می‌توان به ایرادات و توصیه‌های کمیته رفع تبعیض علیه زنان به این کشورها برشمرد:

به کشورهایی چند از جمله ژاپن مبنی بر حذف روز مادر و هدیه مادر از فرهنگ عمومی آن کشورها (با عنوان مخالفت با نقش کلیشه‌ای و سنتی زنان)؛ به کشور چین، سوئد، آلمان، رومانی، فیلیپین و پرو جهت تحت حمایت قانونی قرار گرفتن روسپیان در این کشورها (با عنوان حق انتخاب آزادانه مشاغل)؛ به کشور قرقیزستان و مکزیک در جهت رفع محدودیت علیه همجنس‌بازان؛ به کشورهای مکزیک، ایرلند، پرو، دانمارک، اندونزی، اردن، ترکیه و ونزوئلا جهت قانونی کردن سقط جنین و ایجاد تسهیلات جهت انجام آن؛ به کشور یونان، کنگو، ایرلند شمالی، قزاقستان، قرقیزستان، نپال، رومانی و ازبکستان جهت ارائه آموزش‌های جنسی به دختران نوجوان؛ و...

۴- از آنجا که برخی آیات عظام صریحاً الحاق به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان را (با شرط موجود) خلاف شرع اعلام کردند، موافقت با الحاق به کنوانسیون رفع تبعیض یقیناً به مصلحت نظام نبوده و همدلی بین جامعه متدینان ایرانی و مسئولان نظام را تضعیف می‌نماید.

۵- شرط مذکور در لایحه دولت و مجلس دارای دو اشکال اساسی است که عبارتند از:

الف) در این شرط، فقط عدم مغایرت با موازین شریعت اسلامی لحاظ شده و توجهی به موارد مغایرت با قوانین داخلی که وضع آن بر اساس مصالح جامعه بوده، نشده است، چرا که چه بسا قوانینی که با شریعت اسلامی مغایر نبوده، ولی مصلحت جامعه آن را اقتضا می‌کند و جمهوری اسلامی ایران پس از الحاق با شرط مذکور، ملزم خواهد بود این قوانین را علیرغم مصلحت جامعه، تغییر دهد.

ب) در لایحه مذکور، مرجع تشخیص مغایرت و عدم مغایرت مواد کنوانسیون با شریعت اسلامی معین نشده، لذا به صرف وجود یک حکم شاذ فقهی در قرون گذشته، ادعای عدم مغایرت با شرع خواهد شد. این امر از آن جهت که کنوانسیون فقط به تغییر در قوانین بسنده نکرده و خواهان تغییرات مختلف از جمله در فرهنگ عمومی جامعه است، حساس تر می‌نماید.

بنابر این، الحاق به کنوانسیون با حق شرط مذکور، به مصلحت نظام نیست.

۶- شرط جمهوری اسلامی ایران مطابق بند ۲ ماده ۲۸ کنوانسیون پذیرفته نخواهد شد. این شرط به دلیل عام، کلی و مبهم بودن قابل پذیرش نیست. علاوه بر آن، شرط ایران که رعایت موازین اسلامی است (حاکمیت عدالت و نه تساوی در جامعه زنان و مردان)، با هدف و منظور کنوانسیون که ایجاد تساوی در همه جهات بین زنان و مردان است مغایر می باشد و بند ۲ ماده ۲۸ کنوانسیون تصریح می کند که شرط مغایر با هدف و منظور کنوانسیون پذیرفته نخواهد شد. بر این پایه، حق شرط ایران مورد پذیرش قرار نمی گیرد، همانگونه که هر کشور اسلامی که در حق شرط خویش، عدم مغایرت با شریعت اسلامی را عنوان کرده مانند: عربستان، موریتانی، مصر، مراکش، بحرین، کویت، لیبی و پاکستان مورد اعتراض قرار گرفته است.

نکته مهم دیگر آنکه غیر قابل قبول بودن شرط جمهوری اسلامی ایران به منزله عدم الحاق نبوده، بلکه الحاق پذیرفته شده و شرط، قابل پذیرش نمی باشد، لذا اصرار بر اجراء کنوانسیون به صورت مطلق خواهد بود.

بنابر این الحاق جمهوری اسلامی ایران با حق شرط مذکور، با علم به عدم پذیرش حق شرط و اصرار بر اجرای کنوانسیون به صورت مطلق، به دلیل مغایرت با مسلمات فقهی فراوان و قوانین متعدد داخلی و مغایرت با قانون اساسی به مصلحت نظام نخواهد بود.

۷- با الحاق به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان رسماً دولت جمهوری اسلامی ایران، جمع آوری اطلاعات منفی در زمینه مسائل زنان از جمهوری اسلامی ایران را، توسط نیروهای سازمان ملل و نیز نیروهای معاند داخلی و همچنین ارائه اطلاعات به کمیته رفع تبعیض سازمان ملل، سپس شورای اقتصادی اجتماعی این سازمان (اگوسوک) و پس از آن به مجمع عمومی را به رسمیت می شناسد. با توجه به عملکرد شدیداً سیاسی، گزینشی و ابزاری سازمان ملل در زمینه مسائل حقوق بشری کشورها، به رسمیت شناختن و هموار نمودن این عملکرد یقیناً به مصلحت نظام نخواهد بود.

۸- به دلیل موقعیت جمهوری اسلامی ایران و نقش الگویی آن در بین کشورهای اسلامی و پرچمداری این کشور در زمینه مقاومت در برابر غربی سازی جهان، الحاق به کنوانسیون رفع

تبعیض علیه زنان، این موقعیت ویژه جمهوری اسلامی ایران را تضعیف می نماید و این تلقی ایجاد خواهد شد که ایران نیز تسلیم الگوهای تحمیلی غرب شده است، لذا مقاومت سایر کشورهای اسلامی نیز تضعیف خواهد شد. تضعیف نقش سرمداری ایران در بین کشورهای اسلامی، که در پی مقاومت عظیم ملت در ایجاد حکومت اسلامی و مقاومت در جنگ و ... بدست آمده، به مصلحت نظام نخواهد بود.

۹- به نظر می رسد اعلام عدم مصلحت در الحاق به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان و سپس ارائه دیدگاه های نظام جمهوری اسلامی ایران نسبت به مسائل زنان در قالب یک منشور، بهترین گزینه باشد.

لازم به ذکر است که شورای فرهنگی اجتماعی زنان طی صدها ساعت تحقیق، بررسی و رایزنی های فراوان، این منشور را تهیه کرده است.

در شرح دلایل مذکور، پس از چاپ دو کتاب در زمینه اسناد بین المللی زنان، با عناوین «حقوق جهانی زنان»، «زنان و حقوق برابر» کتاب حاضر در سه فصل به شرح دلایل مخالفت با الحاق به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان می پردازد.

به امید آنکه این تحلیل ها گامی هر چند کوچک، در جهت تحقق حضور بر اساس عزت، اقتدار و مصلحت زنان ایران در عرصه های بین المللی باشد.

زهر آیت اللهی